

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم
پایان نامه دکترای رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

تفسیر پژوهی های جامع

پژوهشی در الگوهای

زرقانی، ذهبی، طباطبایی، معرفت، فهد رومی و بابایی

استاد راهنما:

دکتر محمد علی مهدوی راد

استادان مشاور:

دکتر محمد کاظم شاکر

دکتر سیّد رضا مؤدّب

نگارنده:

سید هدایت جلیلی سنزبیقی

زمستان ۱۳۸۹

پیشکش

دوست داشتم
این اثر را به رسم ادب
به محبوبان، عزیزان، استادان و یاری‌گرانم
پیشکش کنم.
دریغ
که آن را سزاوار پیشکش
نیافتم

خدای را

که فرصتی دیگر برای آموختن، خواندن، اندیشیدن و نگاشتن فراهم کرد
یکایک استادان را،

به‌ویژه، استاد راهنمایم جناب آقای دکتر محمدعلی مهدوی‌راد و
استادان مشاورم جناب آقای دکتر سید رضا مؤدب و جناب آقای دکتر
محمدکاظم شاکر را برای راهنمایی‌ها و یاری‌گری‌های بی‌دریغشان

استاد راحل، آیت‌الله معرفت را

که چندی حضور در محضرش را نصیب بردم

استاد مصطفی ملکیان را

که با گشاده‌دستی از خوان فضلش دریغ نکرد

مدیر مرکز تربیت مدرس جناب آقای دکتر محمد ذبیحی و همکارانش را

که فضای آرام و صمیمی آموختن به برکت حضور آنهاست

همسر و فرزندان و عزیزان و دوستان جانی را

به خاطر یاری و همدلی و همراهی در فراز و فرود این ایام

پدر و مادرم را

که دعای خیر آنها چاره‌ساز بود

و

به فرجام

کریمه اهل بیت (س) را

که وامدار مهربانی و دستگیری نهانی اویم

چهارده سده کوشش برای فهم متن قرآنی، میراث سترگ و گونه‌گون تفسیر را پدید آورده است و چند دهه کوشش‌های اخیر برای شناخت و تبیین این میراث گونه‌گون و متکثر، پیدایی متون تفسیری پژوهانه را رقم زده است. کوشش مسلمانان در این حوزه مسبق به پژوهش‌های غربیان است. اما قرآن پژوهان مسلمان در پی ارائه روایتی بومی از آن برآمده و بر پایه سنت قرآن پژوهی اسلامی، گونه‌های مختلفی از تفسیر پژوهی را پدید آورده‌اند. در این میان، «تفسیر پژوهی‌های جامع»، پایه گونه‌های تفسیر پژوهی قلمداد می‌شود و تحلیل و نقد آنها تا حدود زیادی می‌تواند، تصویری از جریان تفسیر پژوهی مسلمانان را آشکار می‌کند. از این رو، این پرسش که «کوشش‌های تفسیر پژوهانه مسلمانان، بر چه پایه از بضاعت روش‌شناختی و معرفت‌شناختی ایستاده است؟ و چه میزان در تبیین واقعیت متکثر تفاسیر قرآن کامیاب و کارآمد بوده است؟»، شایسته هر گونه تأملی است. تحلیل و نقد شش الگوی تفسیر پژوهی جامع تفسیر پژوهان مسلمانان (زرقانی، ذهبی، طباطبایی، معرفت، فهد رومی و بابایی)، نشان می‌دهد که در بحث از چیستی تفسیر، به جای تبیین پدیده تفسیر، به تحلیل واژگانی «تفسیر» روی آورده‌اند و کوشش آنها در تمایز بخشی میان «تفسیر» و «غیرتفسیر» پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهای امروز نیست. این الگوها بر هیچ تبیینی از «ژانر تفسیر» و مؤلفه‌های آن استوار نیستند و از حیث ترمینولوژی و مفهوم‌پردازی آشفتنه، مضطرب و ناکارآمدند و در به دست دادن مؤلفه‌های یک اثر تفسیری ناکامند. در این الگوها نه گونه‌شناسی کارآمدی از روش‌های تفسیری صورت پذیرفته است و نه دسته‌بندی قابل دفاعی از روش‌ها و گونه‌های تفسیری عرضه شده است و نه تعریف و مرزبندی روشن و شفاف از آنها به دست داده شده است و نه ملاک و سنجۀ عینی و فیصله‌بخشی در مقام تعیین مصداق تفاسیر از حیث روش‌های تفسیری عرضه شده است. این الگوها رویکردی انحصارگرا به مقوله تفسیر دارند و پدیده تکثر و تنوع تفاسیر را عارضه نامطلوب و فرزند نامیمون کاستی‌ها و کژی‌های جریان‌های تفسیری می‌دانند. این آثار، صورت بسط‌یافته و مستقل مقدمه‌نویسی تفاسیر و ادامه آن سنت با همان خصلت‌ها و کارکردها هستند و ماهیت مفسرانه و درجه اول دارند. تفسیر پژوهی‌ها در کنار رویه و کارکرد «معرفتی»، کارکردهای «غیرمعرفتی» مهمی دارند. بُن‌مایه آنها اعتبار بخشی به یک جریان تفسیری، و اعتبار زدایی از سایر جریان‌هاست. آنها با رویکرد تجویزی و ارزش‌داورانه خود، نوعی نابرابری میان تفاسیر و روش‌های تفسیری می‌افکنند و در جریان تفسیر اثر می‌گذارند. فرایند تفسیر پژوهی از نقطه‌های آغازین آن تا به امروز (از ذهبی تا بابایی) تفاوت معناداری را از حیث روش‌شناختی نشان نمی‌دهد و در این باره نمی‌توان از تکامل و پیشرفت سخن گفت. الگوهای مورد بررسی به لوازم و مقتضیات بین‌رشته‌ای بودن تفسیر پژوهی ملتزم نبوده‌اند. ناکارآمدی طبقه‌بندی‌های جامع که تاکنون به دست داده شده است، پرسش از امکان چنین کاری را موجه می‌سازد.

واژگان کلیدی: چیستی تفسیر، تفسیر پژوهی، گونه‌شناسی تفسیر، طبقه‌بندی تفاسیر،

ترمینولوژی تفسیر پژوهی.

فهرست اجمالی

آغاز

- درباره پژوهش حاضر..... ۲
- کلیات ۴
- روشنگری در مفاهیم کلیدی ۱۱

درآمد

- پیش‌فرض‌ها و پیش‌زمینه‌های اسلامی تفسیرپژوهی ۱۹
- بازشناسی گونه‌های متون و مطالعات تفسیرپژوهی ۲۹
- ابزارها و دشواره‌های پژوهش در تفسیرپژوهی ۳۳
- تفسیرپژوهی گولدتسیهر و بازتاب آن در تفسیرپژوهی مسلمانان ۳۶

انجام

تفسیرپژوهی‌های جامع ۶۲

- جستارگشایی ۶۳
- الگوی تفسیرپژوهی زرقانی ۷۱
- الگوی تفسیرپژوهی زهبی ۹۱
- الگوی تفسیرپژوهی طباطبایی ۱۲۹
- الگوی تفسیرپژوهی معرفت ۱۵۶
- الگوی تفسیرپژوهی فهد رومی ۲۱۰
- الگوی نخست: اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر ۲۱۰
- الگوی دوم فهد رومی: بحوث فی اصول التفسیر و مناهجه ۲۳۵
- الگوی تفسیرپژوهی بابایی ۲۴۷

فرجام

- تحلیل و نقد نهایی ۲۸۹
- پیشنهادها ۳۰۱
- منابع ۳۰۳

۲..... درباره پژوهش حاضر

۴..... کلیات

۴..... ۱. چشم‌انداز کلی

۵..... ۲. بیان مسئله

۵..... ۳. پرسش‌های اصلی و فرعی

۶..... ۴. فرضیه

۸..... ۵. اهمیت مسئله

۸..... ۶. روش و رویکرد

۹..... ۷. دامنه و دایره پژوهش

۱۰..... ۸. پیشینه پژوهش

۱۱..... روشنگری در مفاهیم کلیدی

۱۱..... ۱. تفسیر

۱۱..... ۲. پژوهش

۱۳..... ۱-۲. گزارش

۱۳..... ۲-۲. تحلیل

۱۴..... ۲-۳. نقد

۱۵..... ۳. تفسیر پژوهی

۱۶..... ۴. جامع

۱۸..... درآمد

۱۹..... پیش‌فرض‌ها و پیش‌زمینه‌های اسلامی تفسیر پژوهی

۱۹..... ۱. منزلت متن قرآنی

۱۹..... ۲. منزلت تفسیر

۳. مسئله اعتبار و درستی تفسیر ۲۰
۴. نگاه تاریخی ۲۱
۵. مسئله روش تفسیر ۲۳
۶. حق تفسیر و تفسیر حق ۲۴
۷. گونه‌های مباحث ناظر به چگونگی تفسیر ۲۵
۸. دسته‌بندی مطالعات ناظر به روش تفسیر ۲۶
۹. سنخ‌شناسی مطالعات ناظر به روش و روش‌شناسی تفسیر ۲۷
- بازشناسی گونه‌های متون و مطالعات تفسیر پژوهی ۲۹
- ابزارها و دشواره‌های پژوهش در تفسیر پژوهی ۳۳
۱. تقسیم‌بندی تفسیر پژوهی‌ها از حیث «گستره و دامنه پژوهش‌ها» ۳۳
۲. تقسیم‌بندی تفسیر پژوهی از حیث متعلق پژوهش ۳۴
۳. تقسیم‌بندی تفسیر پژوهی از حیث رویکرد ۳۴
- تفسیر پژوهی گولدتسیهر و بازتاب آن در تفسیر پژوهی مسلمانان ۳۶
۱. درآمد ۳۶
۲. گولدتسیهر و آثارش ۳۷
۳. کتاب «گرایش‌های تفسیر اسلامی» ۴۰
- ۳-۱. مشخصات کتاب و ترجمه‌های آن ۴۰
- ۳-۲. درون‌مایه کتاب «گرایش‌های تفسیری اسلامی» ۴۲
۴. بازتاب‌ها و واکنش‌ها نسبت به تفسیر پژوهی گولدتسیهر در جهان اسلام ۴۷
- ۴-۱. دلایل مترجمان بر ضرورت و اهمیت کتاب ۴۸
- ۴-۲. پانوشته‌های ترجمه‌های عربی و فارسی و گونه‌شناسی آن‌ها ۴۹
- ۴-۳. نگاهی به پاره‌ای از نقدها و ردیه‌های مستقل ۵۱
- ۴-۴. پژوهش‌های بدیل ۵۲
۵. الگوی تفسیر پژوهی گولدتسیهر ۵۲
- الگوی نخست ۵۳
- تحلیل و نقد الگوی نخست ۵۳
- الگوی دوم ۵۵

۵۶.....	تحلیل و نقد الگوی دوم
۵۷.....	شاخصه‌های تفسیرپژوهی گولدتسیهر
۵۸.....	۶. روش و نگرش گولدتسیهر در تفسیرپژوهی
۵۸.....	روش نقد تاریخی.....



۶۲..... **تفسیرپژوهی‌های جامع**

۶۳..... **جستارگشایی**

۶۳.....	چشم‌اندازی بر مطالعات جامع
۶۸.....	چند و چون پژوهش حاضر.....
۶۸.....	۱. محدوده‌ها و محدودیت‌ها
۶۹.....	۲. مسئله‌ها و محورها.....

۷۱..... **الگوی تفسیرپژوهی زرقانی**

۷۱.....	۱. درباره زرقانی و آثارش.....
۷۲.....	۲. چیستی «تفسیر» به روایت زرقانی
۷۵.....	۳. ساختار و سامانه تفسیرپژوهی زرقانی.....
۷۹.....	۴. تحلیل و نقد سامانه تفسیرپژوهی زرقانی

۹۱..... **الگوی تفسیرپژوهی ذهبی**

۹۱.....	۱. درآمد
۹۱.....	۱-۱. درباره محمدحسین ذهبی
۹۱.....	۱-۲. درباره «التفسیر و المفسرون».....
۹۲.....	۱-۳. جایگاه و اهمیت تاریخی و امروزی «التفسیر و المفسرون»
۹۳.....	۱-۴. آبشخورهای «التفسیر و المفسرون»
۹۵.....	۱-۵. «التفسیر و المفسرون»، پیامدها و واکنش‌ها
۹۷.....	۱-۶. ساختار «التفسیر و المفسرون».....
۹۸.....	۱-۷. رویکرد دوگانه ذهبی
۹۹.....	۲. روایت ذهبی از چیستی تفسیر
۱۰۲.....	۲-۱. تحلیل و نقد

۳. ترمینولوژی زهبی ۱۰۵
۴. زهبی در مقام طبقه‌بندی و گونه‌شناسی تفسیر ۱۰۸
- ۴-۱. تقسیم‌بندی تفاسیر از حیث دوره‌های تاریخی ۱۰۸
- ۴-۱-۱. تحلیل و نقد ۱۱۲
- ۴-۲. زهبی در مقام تعریف و تمایز گونه‌های تفسیری ۱۱۴
- ۴-۲-۱. روایت زهبی از تفسیر به‌مأثور ۱۱۵
- ۴-۲-۲. روایت زهبی از تفسیر به‌رأی ۱۱۶
- ۴-۲-۲-۱. تعریف تفسیر به‌رأی ۱۱۷
- ۴-۲-۲-۲. تقسیم تفسیر به‌رأی به دو قسم محمود و مذموم (جایز و غیرجایز) ۱۱۸
- ۴-۲-۲-۳. «تفسیر به‌رأی زهبی» در نگاه ناقدان ۱۱۹
- ۴-۲-۲-۴. سنجش نقدها ۱۲۱
- ۴-۲-۲-۵. تبارشناسی تقسیم تفسیر به‌رأی به جایز و غیرجایز ۱۲۱
- ۴-۲-۲-۶. تحلیل و نقد ۱۲۲
۵. زهبی در مقام تعیین مصداق ۱۲۵
۶. زهبی در مقام بررسی مصادیق ۱۲۶
۷. جمع‌بندی ۱۲۷
- الگوی تفسیر پژوهی طباطبایی ۱۲۹**
۱. درآمد ۱۲۹
- ۱-۱. درباره سید محمد حسین طباطبایی ۱۲۹
- ۱-۲. طباطبایی مفسر، طباطبایی تفسیرپژوه ۱۲۹
۲. چیستی تفسیر به‌روایت طباطبایی ۱۳۰
۳. روایت طباطبایی از روش‌های تفسیر (گونه‌شناسی تفسیر) ۱۳۴
- ۳-۱. تقسیم‌بندی نخست ۱۳۴
- ۳-۲. تحلیل و نقد تقسیم‌بندی نخست ۱۳۵
- ۳-۳. تقسیم‌بندی دوم ۱۴۰
- ۳-۴. تحلیل و نقد تقسیم‌بندی دوم ۱۴۳
۴. نگاه طباطبایی به پدیده اختلاف و تکثر در ساحت تفسیر ۱۴۸

۵. طبقه‌بندی مفسران به شیوه طباطبایی ۱۵۱
۶. ژانر تفسیر براساس نظریه تفسیری طباطبایی ۱۵۴
- الگوی تفسیر پژوهی معرفت ۱۵۶**
۱. درباره نویسنده و آثار او ۱۵۶
۲. درباره ساختار و محتوای کتاب ۱۵۷
۳. ترمینولوژی معرفت ۱۶۱
۴. چپستی تفسیر در نگاه معرفت ۱۶۲
۵. سامانه تفسیر پژوهی معرفت ۱۷۳
۶. تفسیر به‌مأثور به روایت معرفت ۱۸۰
۷. تفسیر اجتهادی به روایت معرفت ۱۸۶
۸. روایت معرفت از تفسیر عرفانی ۱۸۸
۹. تفسیر موضوعی به روایت معرفت ۱۹۶
۱۰. تحلیل و نقد ساختار طبقه‌بندی معرفت ۱۹۷
۱۱. الگوی معرفت در مقام تعیین مصداق و بررسی مصداقی ۱۹۸
۱۲. دغدغه‌های شیعی معرفت در تفسیر پژوهی ۲۰۳
۱۳. دغدغه‌های تفسیری معرفت ۲۰۵
۱۴. نکاتی پایانی درباره الگوی تفسیر پژوهی معرفت ۲۰۸
- الگوی تفسیر پژوهی فهد رومی ۲۱۰**
- الگوی نخست: اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر ۲۱۰**
۱. درآمد ۲۱۰
- ۱-۱. فهد رومی ۲۱۰
- ۱-۲. آثار ۲۱۰
- ۱-۳. اعتبار و جایگاه «اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر» ۲۱۲
- ۱-۴. انگیزه و هدف فهد رومی در نگارش «اتجاهات التفسیر» ۲۱۲
- ۱-۵. «اتجاهات التفسیر» در مقایسه با آثار پیشین و مشابه ۲۱۳
۲. روایت فهد رومی از اتجاهات تفسیری تا سده چهاردهم ۲۱۴
۳. ساختار کتاب و طبقه‌بندی تفاسیر ۲۱۵
۴. مفهوم‌پردازی (ترمینولوژی) فهد رومی ۲۱۹

۲۲۳	۵. تحلیل و نقد طبقه‌بندی تفسیری فهد رومی.....
۲۲۴	۶. فهد رومی در مقام تعیین مصداق.....
۲۲۶	۷. فهد رومی در مقام بررسی مصداقی.....
۲۲۷	۷-۱. گزارش فهد رومی از منهج اهل سنت و جماعت در تفسیر.....
۲۲۹	۷-۲. گزارش فهد رومی از منهج شیعه در تفسیر قرآن.....
۲۳۵	الگوی دوم فهد رومی: بحوث فی اصول التفسیر و مناوجه.....
۲۳۷	فصول و ساختار کتاب.....
۲۴۴	تحلیل و نقد الگوی دوم.....
۲۴۶	جمع‌بندی تحلیل و نقد دو الگوی فهد رومی.....
۲۴۷	الگوی تفسیر پژوهی بابایی.....
۲۴۷	۱. درباره نویسنده و آثار او.....
۲۴۸	۲. ساحات تفسیر پژوهی به روایت بابایی.....
۲۵۳	۳. چیستی «تفسیر» در نگاه بابایی.....
۲۵۴	۳-۱. بابایی در مقام نقد و تحلیل تعاریف پیشینیان.....
۲۵۹	۳-۲. بابایی در مقام ارائه تعریفی برای «تفسیر».....
۲۶۴	۴. ساختار کتاب مکاتب تفسیری.....
۲۶۵	۵. تحلیل و نقد بخش «مفسران نخستین».....
۲۶۷	۶. بابایی در مقام مفهوم‌شناسی و مفهوم‌پردازی (ترمینولوژی).....
۲۷۰	۶-۱. تلقی بابایی از «مکتب تفسیری».....
۲۷۴	۷. الگوی بابایی در تقسیم‌بندی تفاسیر.....
۲۷۴	۷-۱. داوری بابایی در باره تقسیم‌بندی پیشینیان.....
۲۷۵	۷-۲. دسته‌بندی بابایی از مکاتب تفسیری.....
۲۷۶	۷-۳. تحلیل و نقد طبقه‌بندی بابایی.....
۲۷۷	۸. تحلیل و نقد تعریف بابایی از مکاتب تفسیری.....
۲۷۷	۸-۱. تفسیر روایی محض.....
۲۸۰	۸-۲. مکتب باطنی محض در تفسیر.....
۲۸۲	۸-۳. مکتب تفسیر اجتهادی.....
۲۸۳	۹. بابایی در مقام بررسی مکاتب تفسیری.....

۲۸۴	۱۰. بابایی در مقام تعیین مصداق
۲۸۵	۱۱. بابایی در مقام بررسی‌های مصداقی
۲۸۸	فرجام
۲۸۹	تحلیل و نقد نهایی
۲۸۹	نکات کلان
۲۹۴	نکات جزئی
۳۰۱	پیشنهادها
۳۰۱	الف - پیشنهادهایی برای تفسیرپژوهی
۳۰۱	ب - پیشنهادهایی برای «پژوهش در تفسیرپژوهی»
۳۰۳	منابع
۳۰۳	کتاب‌های فارسی
۳۰۹	کتاب‌های عربی
۳۱۶	کتاب‌های لاتین
۳۱۶	پایان‌نامه‌ها
۳۱۷	نشریات

آغاز

درباره پژوهش حاضر

کلیات

روشنگری در مفاهیم کلیدی

درباره پژوهش حاضر

چند دهه است که «تفاسیر قرآن» به مثابه قلمروی برای مطالعه، توجه قرآن پژوهان مسلمان را به خود جلب کرده است. این توجه که از رهگذر مطالعات غربیانی چون، ایگناتس گولتسیهر حاصل شده است، می‌کوشد شناخت و تبیینی از چندوچون تاریخ و گونه‌های تفسیر عرضه کند. برآیند این کوشش‌ها، ساحت جدیدی از مطالعه را پدید آورده است که می‌توان از آن با عنوان «تفسیرپژوهی» یاد کرد که با «تفسیر» تفاوت گوه‌رین دارد و ادبیات حاصل از آن را نیز با لحاظ «متن قرآنی» و «تفاسیر»، می‌توان «متن سه» نامید. تفسیرپژوهی مسلمانان طی چند دهه‌ای که از عمر آن می‌گذرد، تنوعات و گونه‌گونی‌های بسیاری یافته است.

پژوهش حاضر، در پی آفرینش اثری از جنس «متن سوم» نیست، بلکه خود این متون را موضوع مطالعه و پژوهش خود قرار داده است و در پی شناخت و تبیین تفسیرپژوهی‌هایی است که در میان مسلمانان صورت پذیرفته است و می‌خواهد وضعیت این ساحت از مطالعات اسلامی را بسنجد. مسئله اصلی این پژوهش این است که کوشش‌های تفسیرپژوهانه مسلمانان، بر چه پایه از بضاعت روش‌شناختی و معرفت‌شناختی ایستاده است؟ و چه میزان در تبیین واقعیت متکثر تفاسیر قرآن، کامیاب و کارآمد بوده است؟

برای پاسخ به این پرسش از میان گونه‌های مختلف تفسیرپژوهی، به تفسیرپژوهی‌های جامع روی آوردیم و از میان آنها نیز، شش الگو و سامانه تفسیرپژوهی تفسیرپژوهان مسلمان (زرقانی، ذهبی، طباطبایی، معرفت، فهد رومی و بابایی) را برای پژوهش و مطالعه برگزیدیم؛ با این باور که تحلیل و نقد الگوهای شش‌گانه مذکور تا حدودی می‌تواند بضاعت تفسیرپژوهی مسلمانان را آشکار سازد.

از این رو، پژوهش پیش‌رو، مطالعه‌ای است ناظر به مطالعات تفسیرپژوهانه مسلمانان. حاصل این مطالعه را در چند بخش سامان داده‌ایم: «آغاز»، «درآمد»، «انجام» و «فرجام».

بخش «آغاز» مختصات، گام‌ها و مفاهیم کلیدی این پژوهش را برای خواننده بیان می‌کند و مسئله اصلی و اهمیت این پژوهش را بازمی‌گوید و به روش، رویکرد، دامنه و پیشینه پژوهش حاضر اشاره می‌کند. آن‌گاه به روشنگری در مفاهیم کلیدی این پژوهش، یعنی «تفسیر»، «پژوهش» و «تفسیرپژوهی» می‌پردازد.

بخش «درآمد» نیز، ابتدا پیشینه‌ها و پیش‌زمینه‌های دینی و تاریخی تفسیرپژوهی را گزارش می‌کند و خاستگاه و چگونگی موضوعیت یافتن مقوله «روش تفسیر» در ساحت تفسیر قرآن را تحلیل می‌کند و پس از آن، به گونه‌شناسی، دسته‌بندی و سنخ‌شناسی مطالعات ناظر به

روش و روش‌شناسی تفسیر روی می‌آورد و از پی آن، به بازشناسی و تمایزبخشی متون و مطالعات تفسیرپژوهی همت می‌گمارد و مطالعات «درجه اول» را از مطالعات «درجه دوم» و «متن دو» را از «متن سه» جدا می‌سازد. سپس، با اشاره به آمیختگی و تمایزنیافتگی سطوح معرفتی در تفسیرپژوهی مسلمانان، از دشواره‌های راه در پژوهش حاضر سخن می‌گوید.

در ادامه، باب بحث نسبتاً مبسوطی را در تفسیرپژوهی گولدتسیهر می‌گشاید تا اولاً نمونه‌ای از تفسیرپژوهی جامع قرآن‌پژوهان غربی را در کنار شش الگوی تفسیرپژوهی جامع در جهان اسلام بنشانند و امکان مقایسه و بررسی تطبیقی میان این دو قلمرو را فراهم آورده باشد و هم داده‌های لازم برای پاسخ به این پرسش را تدارک کرده باشد که «تفسیرپژوهی مسلمانان چه میزان تحت تأثیر کار گولدتسیهر بوده و چه میزان با مبانی و روش آن هم‌سو و هم‌سنخ است؟».

بخش «انجام»، بدنه اصلی پژوهش حاضر را در بر دارد. در این بخش، شش الگوی مذکور از حیث موارد زیر تحلیل و نقد شده‌اند: ۱. درکی که از «پدیده تفسیر» دارند و فرایندی که برای تبیین «چیستی تفسیر» طی می‌کنند و تمایزی که میان تفسیر با مقولات مشابه آن می‌نهند؛ ۲. تعریفی که از «ژانر تفسیر» و مؤلفه‌های آن عرضه می‌کنند؛ ۳. ترمینولوژی و مجموعه مفاهیمی که به مثابه ابزارهای معرفتی برای تحلیل و تبیین تفاسیر تدارک کرده‌اند؛ ۴. سامانه‌ای که برای طبقه‌بندی و تمایزبخشی گونه‌های تفسیری فراهم آورده و به کار بسته‌اند؛ ۵. تعریفی که از یکایک گونه‌های تفسیری به دست می‌دهند؛ ۶. فرایندی که در تعیین مصداق برای گونه‌های تفسیری طی می‌کنند و ملاکی که برای این کار عرضه می‌کنند؛ ۷. فرایند و روندی که در بررسی‌های مصداقی دارند؛ و به فرجام، ۸. جنس مطالعه و رویکردی که در سراسر تفسیرپژوهی دارند و اهدافی که دنبال می‌کنند و کارکردهای معرفتی و غیرمعرفتی این تفسیرپژوهی‌ها.

بخش «فرجام» نیز - چنان‌که از نامش پیداست - برآیند تحلیل‌ها و نقدهای روش‌شناختی و معرفت‌شناختی ناظر به الگوهای شش‌گانه مذکور را دربردارد و از دل این نقدها و تحلیل‌ها، پیشنهادهایی برای «تفسیرپژوهی» و «پژوهش در تفسیرپژوهی» برآورده و پیش می‌نهد.

کلیات

۱. چشم‌انداز کلی^۱

پژوهش حاضر در باب تفسیر پژوهی‌های جامعی است که تفسیر پژوهان مسلمان نگاشته‌اند. این پژوهش از حیث منطقی و تاریخی، مسبوق و مبتنی بر فرض موارد زیر است:

۱. قرآن؛ کتاب آسمانی که مسلمانان آن را وحی الله به محمد (ص) می‌دانند.
۲. تفاسیر قرآن؛ مسلمانان آثار بسیاری را با هدف شرح و بیان قرآن به نگارش درآورده‌اند که با عنوان یا به‌مثابه «تفسیر قرآن» شناخته می‌شوند.
۳. کثرت و گونه‌گونی تفاسیر؛ تفاسیر قرآن از تنوع و گونه‌گونی‌هایی بسیار برخوردارند.
۴. تفسیر پژوهی؛ از پی تفاسیر قرآن، آثاری به نگارش درآمده‌اند که «تفاسیر قرآن» – و نه «قرآن» – را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند. از این دسته از آثار می‌توان با عنوان «تفسیر پژوهی» یاد کرد.
۵. کثرت و گونه‌گونی تفسیر پژوهی؛ آثار تفسیر پژوهانه نیز به نوبه خود از تنوع و گونه‌گونی قابل توجهی برخوردارند.
۶. تفسیر پژوهی جامع؛ برخی از تفسیر پژوهی‌ها موضوعاً گستره وسیعی از تفاسیر و گونه‌های آن را به مطالعه گرفته‌اند. از این‌ها می‌توان با عنوان تفسیر پژوهی‌های جامع یاد کرد.

یکایک بندهای مذکور نیز به نوبه خود، از حیث منطقی و تاریخی مسبوق و مبتنی بر بند پیشین هستند.

بر این اساس، پژوهش حاضر، نه ناظر به قرآن است (بند ۱) و نه تفاسیر قرآن (بند ۲) و نه گونه‌های تفسیر قرآن (بند ۳)، بلکه ناظر به تفسیر پژوهی (بند ۴) و گونه‌های آن (بند ۵) و به‌طور خاص و محدود، معطوف به تفسیر پژوهی‌های جامع (بند ۶) است. از این‌رو، مباحث مربوط به بندهای ۱، ۲ و ۳ از دایره بحث ما بیرون است. آنچه که در دل دایره پژوهش حاضر قرار می‌گیرد، آثاری است که میراث تفسیری مسلمانان را به تبیین، دسته‌بندی، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی نشسته‌اند. روشن است که پژوهش همه‌جانبه و فراگیر در این قلمرو به واسطه گستره جوانب و دامنه آن، فراتر از عهده پژوهش واحد است و هر پژوهشی در این گستره فراخ و ذواباد، ناگزیر از گزینش و تحدید حدود است و پژوهش حاضر – نیز چنان که خواهد آمد – با رویکرد مطالعه موردی و معین کردن دامنه پرسش‌ها و مسئله‌های خود، فروتنانه به چنین

گزینشی تن می‌دهد و آن را از بایسته‌های هر پژوهشی می‌داند.

۲. بیان مسئله^۱

میراث تفسیری مسلمانان ساحت متکثر، متنوع و سیالی است و در آن همه جریان‌های دینی و مذهبی درون اسلام حضور دارند. شناخت و تبیین روشمند، عینی و آکادمیک از این ساحت متکثر و گونه‌گون، بر عهده تفسیرپژوهی است. اما تفسیرپژوهی در میان مسلمانان از همان خشت آغازین به راهی رفته است که در برآوردن چنین انتظاری ناکام مانده است؛ طوری که مقبولیت فرآورده‌های تفسیرپژوهان متعلق به یک جریان مذهبی از دایره پیروان همان جریان چندان فراتر نمی‌رود و به نزد پژوهشیان سایر جریان‌ها، با نقدها و انکارها و چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌گردد؛ چه رسد به محافل آکادمیک و دانشگاهی غیردینی. چگونه است که در میان مسلمانان هنوز یک پژوهش روشمند، عینی، و آکادمیک که اعتبار و مقبولیتی فرامذهبی و آکادمیک در محافل دانشگاهی جهان یافته باشد، دیده نمی‌شود؟ این در حالی است که اقبال به پژوهش و نگارش در این ساحت نوپدید در میان مسلمانان و جریان‌های اسلامی روبه‌فزونی بسیار است. در این جا این پرسش سر برمی‌آورد که اولاً ریشه این ناکامی‌ها در کجاست؟ و ثانیاً تفسیرپژوهی‌های موجود واجد چه کارکردهای دیگری شده‌اند و چه اهدافی را تأمین می‌کنند؟ از این‌رو، پُر بی‌راه نیست که از بنیان‌های معرفت‌شناسی، پایه‌های روش‌شناختی و بهره‌های منطقی تفسیرپژوهی مسلمانان بپرسیم و از رخنه‌ها و آسیب‌های معرفتی که متوجه این حوزه از مطالعات و پژوهش‌هاست، جویا شویم؛ در عین حال که بر نقاط مثبت و مواضع استوار آن باید صحنه بگذاریم و با عبور از مشکلی که در احساس آن مشترکیم و تبدیل آن به مسئله یا مسئله‌ها، پژوهش‌گران این حوزه را برای تدارک پاسخ به آن‌ها فراخوانیم و خود نیز به قدر توان و توشه خود در این راه بکوشیم. در این چارچوب و برای رفع این مشکل^۲، پاسخ به پرسش‌های زیر ضروری می‌نماید.

۳. پرسش‌های اصلی و فرعی

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: کوشش‌های تفسیرپژوهانه مسلمانان، بر چه پایه از بضاعت روش‌شناختی و معرفت‌شناختی ایستاده است؟ و چه میزان در تبیین واقعیت متکثر تفاسیر قرآن کامیاب و کارآمد بوده است؟ این پرسش را می‌توان به پرسش‌های زیر تجزیه کرد:

۱. تفسیرپژوهان مسلمان چه درکی از «پدیده تفسیر» دارند و چه فرآیندی را در تبیین «چیستی تفسیر» و تمایزبخشی میان تفسیر با مقولات مشابه آن طی می‌کنند؟
۲. آنها چه تعریفی از «ژانر تفسیر» و مؤلفه‌های آن عرضه می‌کنند؟

1. Statement of the Problem
2. Difficulty

۳. ترمینولوژی و مجموعه مفاهیمی که به مثابه ابزارهای معرفتی برای تحلیل و تبیین تفاسیر تدارک کرده‌اند، چه میزان روشن و کارآمد است؟
 ۴. سامانه‌ای که برای طبقه‌بندی گونه‌های تفسیری فراهم آورده و به کار بسته‌اند، چه میزان به عمق تفاسیر نفوذ می‌کند و تفاوت آن‌ها را آشکار می‌کند؟ چه اشکالات و نارسایی‌های منطقی در این طبقه‌بندی‌ها دیده می‌شود؟
 ۵. تعریفی که از یکایک گونه‌های تفسیری به دست می‌دهند، چه میزان کارآمد، عینی و تمایزبخش است؟
 ۶. فرآیندی که در تعیین مصداق برای گونه‌های تفسیری طی می‌کنند، بر چه ملاکی استوار است؟
 ۷. فرایند و روندی که در بررسی‌های مصداقی دارند، چه میزان بر مدار روش‌شناسی و گونه‌شناسی تفسیر می‌گردد؟
 ۸. چه میزان به لوازم و مقتضیات بین‌رشته‌ای بودن تفسیر پژوهی ملتزم بوده‌اند؟ و به فرجام،
 ۹. این تفسیر پژوهی‌ها چه ماهیتی دارند؟ و چه کارکرد و اهدافی را تأمین می‌کنند؟
- این‌ها از جمله مسائلی است که یافتن پاسخ آن‌ها نیازمند پژوهش در آثار تفسیر پژوهان مسلمان است. گمان می‌رود که برآیند پاسخ این مسائل، تصویر روشن‌گرانه‌ای از وضعیت کنونی تفسیر پژوهی مسلمانان فراپیش‌اهل نظر خواهد نهاد و آن‌گاه راه حل و برون‌شدی از آن را طلب خواهد کرد.

۴. فرضیه^۱

۱. تفسیر پژوهی‌های مورد بررسی، در بحث از چیستی تفسیر و تمایزبخشی میان «تفسیر» و «غیر تفسیر»، به جای تبیین پدیده تفسیر، به تحلیل واژگانی «تفسیر» و مفاهیم مشابه روی آورده‌اند. کوشش آن‌ها در تمایزبخشی میان «تفسیر» و «غیر تفسیر» پاسخ‌گوی پرسش‌ها و نیازهای امروز نیست.
۲. این الگوها بر هیچ تبیینی از «ژانر تفسیر» و مؤلفه‌های آن استوار نیستند.
۳. از حیث ترمینولوژی و مفهوم‌پردازی، آشفتگی، مضطرب و ناکارآمدند و در به‌دست دادن مفاهیم متناظر و متناسب با مؤلفه‌های یک اثر تفسیری ناکامند.
۴. در این الگوها نه گونه‌شناسی کارآمدی از روش‌های تفسیری صورت پذیرفته است و نه دسته‌بندی قابل دفاعی از روش‌ها و گونه‌های تفسیری عرضه شده است.
۵. در این الگوها تعریف و مرزبندی روشن و شفاف از گونه‌های تفسیری به دست داده نشده است.
۶. در این الگوها ملاک و سنجۀ عینی و فیصله‌بخشی در مقام تعیین مصداق تفاسیر از حیث روش‌های تفسیری عرضه نشده است.

۷. فرایند و روندی که در بررسی‌های مصداقی دارند، علی‌الغالب سوگیرانه، مفسرانه و همراه با ارزش‌دوری است.

۸. الگوهای مورد بررسی، به لوازم و مقتضیات بین‌رشته‌ای بودن تفسیر پژوهی ملتزم نبوده‌اند و عمدتاً به دانش تفسیر و مطالعات پیرامونی آن تکیه دارند. تفسیر پژوهی بر خلاف دانش تفسیر، معرفتی درجه دوم^۱ و مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای^۲ است. از این‌رو، بیش و پیش از دانش تفسیر، مبتنی بر دانش‌های ناظر به روش‌شناسی و معرفت‌شناسی است. به عبارت دیگر، این حوزه از مطالعات، اساساً نوعی روش‌شناسی تفسیر است و نه تفسیر. این در حالی است که مطالعات تفسیر پژوهانه دانشمندان مسلمان غالباً به لحاظ روش‌شناختی^۳ فقیر و از حیث معرفت‌شناختی^۴ رنجور است. تفسیر پژوهی مسلمانان، اغلب به دانش تفسیر و اشراف بر تفاسیر بسنده کرده است و مادام که تفسیر پژوهی در وادی بسندگی به مطالعات درون‌رشته‌ای گام زند و مطالعات برون‌رشته‌ای را جدی نگیرد، درب تفسیر پژوهی به همین پاشنه خواهد چرخید و حتی انبوه اطلاعات و داده‌های تفسیری به زایش و تولید روش‌شناسی تفسیر نخواهد انجامید.

۹. این الگوها رویکردی انحصارگرا به مقوله تفسیر دارند و پدیده تکرر و تنوع تفاسیر را عارضه نامطلوب و فرزند نامیمون کاستی‌ها و کژی‌های جریان‌های تفسیری می‌دانند. این آثار، صورت بسط‌یافته و مستقل مقدمه‌نویسی تفاسیر و ادامه آن سنت با همان خصلت‌ها و کارکردها هستند و ماهیت مفسرانه و درجه اول دارند. تفسیر پژوهی‌ها در کنار رویه و کارکرد «معرفتی»، کارکردهای «غیرمعرفتی» مهمی دارند. بُن‌مایه آنها اعتباربخشی به یک جریان تفسیری، و اعتبارزدایی از سایر جریان‌هاست. آن‌ها با رویکرد تجویزی و ارزش‌داورانه خود، نوعی نابرابری میان تفاسیر و روش‌های تفسیری می‌افکنند و در جریان تفسیر اثر می‌گذارند. دغدغه‌های مذهبی و درجه اول تفسیر پژوهان، خصلت پسینی و درجه دوم تفسیر پژوهی آنها را سخت مخدوش ساخته است.

بر این باورم که اُم‌المسائل تفسیر پژوهی دانش‌مندان مسلمان، بسنده کردن به مطالعات درون‌رشته‌ای تفسیر است و همین امر موجبات ناکارآمدی و ناروشمندی و ناضابطه‌مندی در فرایند و گام‌های تفسیر پژوهی را فراهم کرده است. از این‌رو، داشتن اطلاعات کافی از مطالعات روش‌شناختی و معرفت‌شناختی و به تبع، اعمال و کاربست آن‌ها راه برون‌شدی است از وضعیت ایستا، تقلید و تکرار کنونی و نویدبخش تفسیر پژوهی کارآمد، راه‌گشا و بصیرت‌بخش.

-
1. Second Order
 2. Interdisciplinary Study
 3. Methodological
 4. Epistemological